



۲۰۱۵/۱۲/۲۳

م. اسحاق نگارگر

## بُزک بُزک نَمُر که جو لغمان میرسه

لغمان سر زمینی است که در آن اصولاً جو نمیروید. بنا بر این وقتی به کسی وعده مُحال میدهند برای اینکه به او بفهمانند



که این وعده اش تا سر شدنی نیست می گویند: "بُزک، بُزک نَمُر که جو لغمان می رَسَد!" مقامات از بس که وعده ها دادند و آن وعده ها را تا سر نکردند مردم عادت کردند که بشنوند و باور نکنند. رفته رفته کار بدانجا کشید که هر دولت آمد و طوماری از وعده های چرب و شیرین را در برابر ما گذاشت و ما هم با خود گفتیم که این یکی راست می گوید و با وعده هایی که می دهد مردم را کُگل و سرزمین را کُلستان می سازد.

نظام انقلابی خلق و پرچم آمدند و به ما وعده دادند که برای تان نان، خانه و کالا می دهیم و ما با خود گفتیم دیگر عمر ما در خریدن کهنه و کتل از بازار های لیلامی نخواهد گذشت و نان از دسترخوان های ما سر خواهد کرد و سگان کوچه ما بر سر تصویر نان همدیگر را پرت و پوست نخواهند کرد.

حکومت برخورد های انقلابی آنان چهارده سال با بزن و بکن دوام آورد و ما اصل مقصود را دریافتیم. حتی دهلیز های زندان ها از زندانیان پُر شد تا ما فهمیدیم که برای همه در گوشه زندان خانه رسید و نان را هم که برای آزاد و بندی روس ها سنگ در کاسه حاتم طایی زده برای ما می رساندند و به اصطلاح اسپ ما در کمند بود و نان ما در کارخانه. تا اینکه روس ها با خاصه خرچی ها کمر خود را شکستند و از ما را نیز.

آوارگان ما را نیز خیمه های غرب و خرما ها و گوشت های قربانی عرب و عجم خانه و نان داد و نه تنها ما را که میزبانان پاکستانی ما نیز از این گنج های باد آورده حیات آباد پشاور را آباد نمودند و به نام اینکه کابلیانو ته له امریکی نه دالرونه را روان دي در هر قدم که رفتیم ما را تحقیر و توهین کردند و کلدارک های ما را با صد مداری گری از جیب های ما کشیدند.

بالاخره دولت مجاهدین رسید و هنوز عرق پای شان خشک نشده بود که از دشمنان خود یعنی سرکردگان دولت قبلی رشوه های گزاف گرفتند و آنان را برای مهاجرت به اروپا و امریکا فرستادند تا در دیار غربت که دل به عدالت انتقالی خوش کرده بودیم بر ریش های ما بخندند و بر ریش های درون مان نمک بپاشند.

طالبان با وعده های اسلام واقعی از راه رسیدند و اسلام واقعی آنان دروازه های مکاتب را بر روی دختران و پسران ما بست و پلیس های «امر بالمعروف و نهی از منکر» یا به گفته جوانان ظریف کابل (عبدالمعروف های بی نیکر) را به کوچه و بازار ریختند تا هر نماز را کم از کم پنج بار بر مرئم بخوانند و اگر مردم با سرودی و ترنمی می خواستند غمهایی را که در دل های تنگ شان انبار شده بود بیرون بیندازند و یا در عروسی های خود صدای دایره را بلند نمایند آن (عبدالمعروف های بی نیکر) به سروقت شان می رسیدند ویدیو کسیت ها و آدیوکسیت های شان را محاکمه ناکرده بر دار می زدند و شعار شان این بود که مردم نه نان می خواهند و نه آب تنها اسلام می خواهند. مثل اینکه آب و نان خواستن با اسلام خواهی در تضاد افتاده باشد و یکی هم به خاطر دره های که برشانه حمل می کردند برای شان نمی گفت که چرا ما را با نان گدایی دیگران سیر می کنید ولی فکر می کنید که اگر ما خود نان خود را تولید کنیم اسلام از دست ما می رود.

بالاخره رویداد یازدهم سپتمبر ما بیچاره ها را به گناهی که نکرده بودیم زیر بمباران های امریکا انداخت و ما آن روز های بد را تحمل کردیم به امید اینکه احسان لالای تازه نفس یعنی امریکا به داد ما رسیده است و دیگر نه همسایه های شرق و غرب و شمال و جنوب می توانند به سوی ما چپ نگاه کنند و نه کوچک ابدال های وطنی می توانند رؤیا های شیرین ما را تلخ بسازند؛ غافل از اینکه احسان لالای تازه نفس با متحدان خود که نیمی از جهان را تشکیل داده بود ترسو و بسیار بی غیرت از کوره بدر آمد.

او می پنداشت که حریفانش از غرش طیاره ها و هیاهوی سربازانش می ترسند و راه فرار را در پیش می گیرند ولی حریفانش که مار خورده به اژدها بدل شده بودند خوب کف دست احسان لالا را خوانده می دانستند که حریف طاقت جنگ دراز مدت را ندارد و زود پا به فرار می گذارد.

اینک احسان لالا دست از پا دراز تر راه گریز می پالد و اما سوغاتش برای ما چیست؟ سیزده سال رشوه خواری، دروغ، ریاکاری و همان ها که در جریان جنگ های داخلی از تمام حقوق انسانی خلاف ورزی نموده بودند سند برائت خود و ستمکاران پیش از خود را تصویب نموده آب سردی بر سر مردم ریختند و احسان لالا هم موضوع را موضوع داخلی افغانستان خواند و اینک راه خود را گرفته می رود و چه کسی برای مردم ضمانت می کند که وقتی احسان لالا از دروازه پا بیرون گذاشت حریفان قدیمی از پنجره خود را در داخل خانه نمی اندازد و این حکومت نیم بند وحدت ملی را که سه ماه بعد از حلف وفاداری قدرت انتخاب بیست تا وزیر را ندارد در ظرف دو هفته خام نمی خورند؟

آری همین حکومت که هر یک از ستون های متشکله آن می خواهد سه، چهار وزیر از خود بگمارد خواهد توانست با تهدید های داخلی و خارجی مقابله کند؟ این حکومت ضعف خود را در طمطراق های خود می پوشاند و باز هم به مردم که وعده های فراوان را آزموده اند وعده میدهد که این حکومت اصلاحات بنیادی به میان خواهد آورد.

آری احسان لالا باز برای ما حکومتی برجا می گذارد چنانکه برای ویتنام جنوبی حکومت «وان تیو» را گذاشته بود. حالا که ما وعده های چرب فراوان شنیده ایم لطفاً به جای یک خروار وعده یک جو عمل کنید. چه سود که باز برای ما می گویند:

"بُزَک بُزَک نمُر که جو لغمان می رسد!؟"

آخر اگر ما نمی دانیم شما خود خوب می دانید که در لغمان هرگز جو حاصل نمی دهد و جو لغمان شما هرگز نمی رسد. اگر بر ریش ما می خندید کم از کم بر ریش ما نمک میاشید! والله اعلم بالصواب.

برمنگهم - ۲۲ دسمبر ۲۰۱۴م

نگارگر

